

قالب‌های خطابی در سوره ابراهیم(ع)

محمود خورسندی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲

زینب حسنی**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۴

چکیده

در سوره‌های قرآن خطاب‌های مختلفی وجود دارد که هر یک از آنها در قالب‌های خاص خود به کار رفته و دارای نشانه‌های مخصوص به خود هستند. از سویی دیگر گاهی در هر یک از خطاب‌ها از اسلوب‌های بلاغی نیز به منظور تحریک عواطف و احساسات مدد گرفته می‌شود. در این مقاله سعی بر آن است که انواع خطاب‌ها و نشانه‌هایی که در این قالب‌ها به کار رفته در سوره مبارکه ابراهیم(ع) مورد بررسی قرار گیرد و همچنین اسلوب‌های بلاغی مورد استفاده در هر یک از این نوع خطاب‌ها بررسی شود. از نتایج حاصله در این مقاله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خداوند متعال گاه خود مستقیماً افراد و اقوام را مورد خطاب خویش قرار می‌دهد و گاه از خطاب سخنان دیگران با یکدیگر یا درخواست آنها از خدا با اسلوب دعا پرده برمی‌دارد و نیز در هر یک از آنها از انواع تصاویر بیانی و اسلوب‌های بلاغی به مناسبت حال و مقام استفاده می‌کند. همچنین از مقایسه خطاب پروردگار به پیغمبران و دیگر خطاب‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در این نوع خطاب از اسلوب‌های بلاغی بیش‌تری استفاده شده است.

کلیدواژگان: قرآن، بلاغت، اسلوب، پیامبر، مردم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان.

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی از دانشگاه سمنان.

مقدمه

اسلوب خطابی یکی از روش‌های القای معانی است که گوینده به کمک آن در ذهن شنونده نفوذ می‌کند و برای وصول به اغراض خویش در جهت اقناع وی می‌کوشد و همت و اراده او را برمی‌انگیزد. به گونه‌ای که مخاطب می‌پذیرد آنچه می‌شنود حق است و در انجام درخواست‌های متکلم تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

البته موقعیت گوینده نزد شنونده نقش بسیار مهمی در پذیرش القاءات وی ایفا می‌کند، مشروط بر اینکه از پشتوانه اندیشه‌ای پربار برخوردار باشد و با استفاده پیاپی از انواع شیوه‌های بیان از قبیل خبر، استفهام، تعجب، استنکار (عیب گرفتن و نقد کردن) و با اسلوب درست مبتنی بر انتخاب کلمات فصیح و شیوا و آهنگین و بکارگیری مترادفات و تکرار هدفمند واژه‌ها و بهره‌گیری از ضرب‌المثل‌ها بر قدرت و زیبایی کلام خویش بیفزاید و آن را با استدلال بین و برهان قاطع درآمیزد. از بکارگیری بیش از حد مجاز، تشبیه و خیال‌پردازی‌های استعاره‌ای و آرایه‌های تعمدی که خود و شنونده را به تکلف‌های دشوار مبتلا می‌کند اجتناب نماید. پیرامون خطاب پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است اما در مورد قالب‌های خطاب تا کنون پژوهشی انجام نشده است. از این رو ضرورت انجام این پژوهش، تکمیل کردن کار دیگر محققان و درک هرچه بهتر مفاهیم قرآنی می‌باشد. هدف از این مقاله بررسی انواع قالب‌های خطاب در سوره ابراهیم و اسلوب‌هایی که در این قالب‌ها به کار رفته‌اند، می‌باشد.

در مورد پیشینه موضوع باید گفت که پایان نامه و مقالاتی در مورد خطاب وجود دارد که نمونه‌هایی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

- مقاله «ضمایر شخصی و صورت‌های خطاب (از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان)»، نویسنده: محمد حسین کشاورز، مجله: زبان و ادبیات فارسی تابستان ۱۳۷۲ش، در این مقاله سعی شده است با بررسی و تحلیل، نقش مهمی که ضمایر شخصی و صورت‌های خطاب در روابط اجتماعی فارسی‌زبانان ایفا می‌کنند تصویری از رابطه میان زبان و جامعه ارائه شود.

- مقاله «بررسی انواع خطاب‌های خداوند به انبیاء(ع)»، نویسنده: هادی محسنی رکاوندی، مجله: بلاغ مبین، تابستان و پاییز ۱۳۸۶ش. هدف این مقاله بررسی نوع

خطاب‌های خداوند به انبیاء الهی می‌باشد لذا در این مقاله اهمیت و فایده خطاب‌های قرآن، شیوه و بیان خطاب‌ها و جوه خطاب‌های قرآن، خطاب‌های خداوند به نبی مکرم اسلام(ص) و سایر انبیاء الهی بررسی شده است و توضیح فواید و ثمرات اخلاقی و تربیتی در بهره‌گیری از شیوه خطاب و اینکه خداوند متعال چگونه انسان‌ها را از طریق خطاب‌ها متوجه کلام وحی کرده و به آن‌ها شخصیت می‌دهد و از آن‌ها انسان‌هایی متحد می‌سازد و دیگر اینکه لذت حضور در حریم و محضر خود را به مخاطبان می‌چشاند.

- پایان نامه کارشناسی ارشد *عادل المزیعل* با عنوان «الخطاب القرآنی والمرأة»، استاد راهنما: *ناصر الرفیعی المحمدی*، استاد مشاور: *محمد حسن الزمائی*، ۱۳۸۴ش، دانشگاه صنعتی امیرکبیر. پایان نامه حاضر به تشریح دیدگاه‌های قرآن کریم درباره زنان می‌پردازد و نوع نگرش قرآن به زن به عنوان یک انسان و توجه به حق و حقوق انسانی او را بررسی کرده و اثبات می‌کند که: قرآن نه تنها هیچ گونه تبعیضی برای زنان نسبت به مردان قائل نشده، بلکه به شأن والای آنان توجهی ویژه دارد. نویسنده در شش فصل ابعاد گوناگون شخصیت زن در قرآن را شرح می‌دهد. وی در فصل اول اشتراک زن و مرد در ارزش‌های انسانی را مد نظر قرار داده و خطاب‌های روحی را در این زمینه نسبت به زن و مرد یکسان ارزیابی کرده است.

- پایان نامه دکترای تخصصی *محمد جواد قاسمی نیک آبادی* با عنوان «الخطاب فی الکتب(الخطاب فی القرآن)»، استاد راهنما: *آذرتاش آذرنوش*، ۱۳۷۰ش، دانشگاه تهران. در این رساله ابتدا زندگینامه *بدر الدین زرکشی* و تألیفات وی شرح داده شده سپس در سه بخش "خطاب" مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش نخست معنای لغوی خطاب، واژه خطاب در قرآن کریم، خطاب در اصطلاح علم اصول، خطاب در عرفان، خطاب در علم اخلاق و... پرداخته شده است. در بخش دوم در جوه مخاطبات و خطاب در قرآن سخن به میان آمده است و در بخش سوم خطاب خداوند به انبیاء عظام آمده است.

- پایان نامه کارشناسی ارشد *زینب براتی* با عنوان «بررسی خطاب‌های عتاب‌گونه خداوند بر پیامبر(ص) در قرآن»، استاد راهنما: *مهین شریفی/صفهانی*، استاد مشاور: *سیدمحمد میردامادی*، ۱۳۸۹ش، دانشگاه پیام نور. تنوع نداها و خطاب‌های الهی در

قرآن خود جنبه‌ای از شگفتی‌های قرآن به شمار می‌آید. خطاب به گروه‌های مختلف و خطاب به افراد خاص از جمله خطاب به پیامبر اسلام(ص) به اسلوب‌ها و روش‌های گوناگون و با آهنگ‌های مختلفی صورت پذیرفته است. لحن این خطاب‌های الهی به پیامبر(ص) نیز گاهی عتاب‌گونه و گاه تهدیدآمیز می‌باشد که در ظاهر اینگونه به نظر می‌رسد که با عصمت حضرت منافات دارد. ولی در واقع خطاب در آیاتی که حامل فرمانی عتاب‌گونه و هشدارهای تهدیدآمیز است را نمی‌توان تنها متوجه شخص رسول اکرم(ص) دانست.

- پایان نامه دکتری تخصصی محمدعلی کاظمی تبار با عنوان «بررسی سبک‌شناسی خطاب در قرآن»، استاد راهنما: سید حسن سیدی، استاد مشاور: مرضیه آباد، دانشگاه فردوسی مشهد، ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۰ش. در این پایان نامه، سبک‌های گوناگون خطاب در آیات مکی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ زیرا آیات مکی و مدنی از جهات گوناگونی با هم تفاوت دارند و یکی از این تفاوت‌ها، سبک خطاب‌های خداوند به: پیامبر اکرم(ص)، نوع بشر، مسلمانان و مؤمنان، عموم مردم، کافران و... است. مهم‌ترین سبک‌های خطاب در آیات مکی قرآن کریم عبارت‌اند از: ندا، امر، نهی، استفهام، خبر و شرط. نکته جالب در ندهای الهی خطاب به رسول اکرم(ص) این است که ایشان هیچ‌گاه با نام مورد خطاب واقع نشده است، در حالی که پیامبران دیگر همه با نام خطاب شده‌اند.

- پایان نامه کارشناسی ارشد زهر/ غلام زاده با عنوان «بررسی خطابات قرآنی و نقش آن در تبیین معارف دینی»، استاد راهنما: د/ود معماری، مشاور: اسلام ملکی معاف، دانشگاه قزوین ۱۳۹۰ش. خطاب‌ها در قرآن بسیار متنوع‌اند. با نگاهی دقیق به موارد فراوان خطاب در قرآن می‌توان آن‌ها را از نظر اسلوب، نوع و نیز از نظر شکل و محتوای پیام مد نظر در آن‌ها، دسته بندی کرد. طبیعی است در هر آیه‌ای که مشتمل بر خطاب است شکل و اسلوب خاصی از خطاب انتخاب شده که دارای حکمتی قابل تحلیل است. مفسران قرآن به صورت پراکنده در تفاسیر خود تلاش کرده‌اند حکمت انتخاب اشکال و انواع خطاب‌ها در جاهای مختلف قرآن را بیابند. از جمله این حکمت‌ها، انتقال معارفی است که شناخت و عمل به آن‌ها سعادت دنیوی در بر دارد.

این مقاله سعی دارد تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. قالب‌های بکار گرفته شده در خطاب‌های خدا به مخاطبین متفاوت [در این سوره] چگونه است؟

۲. قالب‌های بکار گرفته شده در خطاب‌های دیگران به خدا چگونه است؟

۳. قالب‌های بکار گرفته شده در خطاب‌های دیگران به یکدیگر چگونه است؟

۴. در کدام نوع خطاب بیش‌تر از اسلوب‌های بلاغی استفاده شده است؟

۵. فایده بکارگیری هر یک از این اسلوب‌های بلاغی چیست؟

فرض بر این است که در قالب‌هایی که خدا دیگران را با آن مورد خطاب قرار داده بیش‌تر از افعال امری استفاده شده است و عواقب عمل کردن به دستوراتش را بیان می‌نماید. قالب‌هایی که دیگران خدا را با آن مورد خطاب قرار دادند بیش‌تر از فعل‌های طلبی استفاده کرده‌اند.

قالب‌هایی که افراد یکدیگر را خطاب قرار دادند دو گروه متفاوت هستند مثلاً گروه ظالمان و گروه مظلومان که در این قالب ظالمان از کرده‌های خود پشیمان هستند. همچنین در خطاب خدا به پیغمبر از انواع اسلوب‌های بلاغی استفاده شده است. با بکارگیری هر اسلوب خاص در هر آیه خداوند هدف خود را به بهترین صورت ممکن ارائه داده است.

روش مقاله توصیفی تحلیلی می‌باشد که ابتدا به تعریف مختصری پیرامون اسلوب خطابی پرداخته شده و سپس انواع خطاب‌ها و قالب‌های استفاده شده در این سوره بررسی شده و دیگر اینکه اسلوب‌های بلاغی که در هر نوع خطاب بکار رفته همراه با شرح و توضیح ذکر گردیده است. حال نیاز است که پیش از ورود به مبحث اصلی به مقدمه‌ای پیرامون اسلوب خطابی بپردازیم.

تعریف اسلوب

اسلوب به معنای روش و سبک می‌باشد و اسلوب کلام به این معنا است که گوینده بلیغ با بهترین روش و سبک، معنا و محتوا را آنگونه که در روح و جان شنونده نفوذ کند، به او انتقال دهد.

اسالیب کلام بسیار متفاوت است: اسلوب قوی، اسلوب ضعیف، اسلوب زیبا، اسلوب پیش پا افتاده، اسلوب ایجاز، اسلوب اطناب، اسلوب واضح و اسلوب پیچیده تنها گوشه‌ای از این اسالیب هستند.

اسلوب خطابی: در این اسلوب گوینده با مدد جستن از دلیل و برهان و استفاده از الفاظ زیبا و شیوا در ذهن و جان شنونده نفوذ کرده و بر تصمیم‌گیری او تأثیر می‌گذارد. «از ویژگی‌های این اسلوب می‌توان به مخاطب‌شناسی، توان سخن‌پردازی، توانایی استدلال و فراز و نشیب‌های صوتی اشاره نمود» (الهاشمی، ۱۹۹۹م: ۴۵). استفاده بیش از حد از صناعات ادبی علاوه بر اینکه باعث زیبایی این اسلوب نمی‌گردد بلکه مغل آن نیز هست.

سوره ابراهیم

سوره ابراهیم، چهاردهمین سوره قرآن کریم، شامل ۵۲ آیه و ۸۳۱ واژه است که به استثنای آیات ۲۸ و ۲۹ بقیه آن‌ها در مکه نازل شده است.

این سوره پنجمین سوره‌ای است که با «الر» آغاز می‌شود و نام آن از سی و پنجمین آیه گرفته شده که در آن از قهرمان توحید، ابراهیم نبی و فرزندش اسماعیل نام برده شده است. آغاز آن مسأله هدایت مردم از ظلمات به نور و خاتمه آن با مسأله ابلاغ و انداز مردم است. این سوره شامل مفاهیمی چون رسالت، توحید، شرک، حساب و جزاء، بیان نزول قرآن و اهداف آن و همچنین معرفی ابراهیم بت شکن و مجموعه‌ای از اعتقادات، اندرزها و مبارزه‌های وی با عادت‌های جاهلی است.

در این سوره مبارکه خطاب‌های مختلفی وجود دارد که هر یک از آن‌ها در قالب‌های خاص خود به کار رفته و دارای نشانه‌های مخصوص به خود می‌باشد.

خطاب خدا به پیغمبران

در خطاب خدا به پیامبران در سوره مبارکه ابراهیم، خداوند به گونه‌ای این رسولان پاک سرشت را مورد خطاب قرار داده و لب به سخن گشوده که به تمامی مردم بفهماند که:

۱. آن‌ها اسباب هدایت انسان‌ها هستند و وظیفه هدایت بر دوش پیامبران است.

گواهی این امر آیه‌های زیر است:

﴿الرَّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ
الْحَكِيمِ﴾ (ابراهیم / ۱)

آیه شریفه خطاب خدا به پیامبر اکرم(ص) است که نشانه‌های خطاب در این آیه به

شرح زیر است:

- فعل مفرد مذکر "تُخْرِجُ"، ضمیر مستتری که در این فعل وجود دارد(انت).

- کاف ضمیر در "إِلَيْكَ"، از دلایل استفاده از کاف ضمیر در این آیه را می‌توان این

برشمرد که «رسول خدا یکی از اسباب ظاهری این اخراج است و ایمان هر مؤمنی هرچند در هزاران سال بعد و با واسطه‌های بسیار بالآخره مستند به آن جناب می‌شود» (طباطبایی، ج ۱۲: ۷).

- محول کردن مأموریت رفتاری «تُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» به پیامبر به

دلیل وجود "لام" در "تُخْرِجُ" است که این خود "لام" هدف است و مقصود خداوند از آوردن این لام بیان کردن مأموریت محول شده است.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ (ابراهیم / ۵)

آیه مذکور خطاب به حضرت موسی(ع) می‌باشد که نشانه‌های خطاب خدا به

پیغمبرش:

- حرف خطاب "ک" در "ذَٰلِكَ".

می‌توان اینگونه بیان کرد که دلیل استفاده از حرف خطاب این است که خداوند قصد

دارد به مردم بفهماند که تمامی کتاب‌های آسمانی ضامن هدایت مردم هستند.

- فعل امر "أَخْرِجْ"، ضمیر مستتر "أنت" موجود در این فعل.

- آن مفسره، در اینجا به علت بیان هدف ارسال حضرت موسی(ع) است.

بیان مأموریت رفتاری به وسیله «أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» و مأموریت

گفتاری با «ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ».

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَدَادًا لِّئَلَّا يُصَلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ﴾ (ابراهیم / ۳۰)

نشانه‌های خطاب به پیغمبر در این آیه استفاده از فعل امر "قُلْ"، ضمیر مستتر "أنت" و ذکر مأموریت گفتاری «تَمَتُّوْا فَاِنَّ مَصِيْرَكُمْ اِلَى النَّارِ» است.
 ﴿وَاَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا رَبَّنَا اَخْرَجْنَا اِلَىٰ اَجَلٍ قَرِيْبٍ نُّحِبُّ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُوْلَ اَوْ لَمْ تَكُوْنُوْا اَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُمْ مِّنْ رَّوَالٍ﴾ (ابراهيم/۴۴)
 نشانه‌های خطاب در آیه فعل امر "اَنْذِرِ" و بیان مأموریت گفتاری «وَاَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ».

۲. امور دینی از طریق پیامبران به مردم می‌رسد که نمونه‌ای از آن درباره اقامه نماز و انفاق آشکار و پنهان در آیه زیر نمود یافته است.
 ﴿قُلْ لِّلْعِبَادِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يٰقِيْمُوْا الصَّلٰوةَ وَبِنِعْمَةِ رَبِّنَا نَسْتَاوِعِلٰنِيَّةً مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّآئِي يَوْمٌ لَا يَبِيْعُ فِيْهِ وَّلَا خِيَالٌ﴾ (ابراهيم/۳۱)

باری تعالی در این آیه که خطاب به پیغمبرش است موارد زیر را به کار گرفته است:
 فعل امر «قُلْ لِّلْعِبَادِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا» و ذکر مأموریت رفتاری «يٰقِيْمُوْا الصَّلٰوةَ وَبِنِعْمَةِ رَبِّنَا».
 ۳. خداوند با شیوه سخن گفتن خود به مردمان می‌فهماند که اگر پیامبران از خدا و کتب آسمانی و... سخنی به میان می‌آورند و در تلاش هستند که مردم را راهنمایی کنند، از سوی خودشان نیست بلکه این وظیفه سنگین را پروردگار به آن‌ها محول کرده است. همانند آیه ۵ و ۱ که به طور مفصل از نظر گذرانندیم.

اسلوب‌های بلاغی

قرآن کریم بارها مطلب واحدی را در مناسبت‌های مختلف و به شیوه‌های گوناگون بیان کرده تا در جان و ذهن شنونده نفوذ بیش‌تری داشته باشد و خسته کننده نباشد، از این رو در هر قالب خطابی که در این مقاله به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود، علاوه بر نشانه‌هایی که در ابتدا برای تبیین بهتر پیام و انتقال واضح‌تر آن به شنونده به کار رفته، اسلوب‌های بلاغی متعددی نیز به مناسبت حال و مقام نیز استفاده شده است.

استعاره یکی از این شیوه‌های بیانی است که خداوند متعال برای بیان اغراض خویش در خطاب به پیغمبران از این شیوه استفاده نموده است. یکی از ویژگی‌های بکارگیری استعاره در قرآن ایضاح و روشن ساختن لفظ مستعار است. بدین معنا که به واسطه

استعاره خواننده تمامی امور ناآشنا و ناملموس را در مقابل دیدگان خود آشکارا درمی‌یابد و درک آن‌ها برایش آسان‌تر می‌گردد. به عنوان مثال در آیات:

﴿الرَّكِبَاتُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ (ابراهیم/۵)

تشبیه گمراهی به تاریکی و هدایت به نور تشبیهی آشکار و بلیغ در این آیات شریفه است. استعاره در واژه ظلمات مفهوم تاریکی را که حاکی از جهل و نادانی، کفر، رعب و وحشت، ناباروری، مرگ و... در مقابل نور که حاکی از خرد و آگاهی، هدایت، آرامش... است بر همگان نمایان و مجسم می‌سازد که بکارگیری این دو لفظ در معنای استعاری علاوه بر کمک به مجسم و ملموس کردن مفاهیم، سبب برداشت‌های گسترده‌تر از معانی آن واژگان می‌گردد.

طباق یکی دیگر از اسلوب‌هایی است که در این نوع خطاب به کار رفته است و سبب زیبایی هرچه بیش‌تر کلام می‌گردد. که در این سخنان خداوند نمود پیدا می‌کند:

﴿الرَّكِبَاتُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيَتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ﴾ (ابراهیم/۳۱)

در این آیات میان "ظلمات، النور" و "سرا، علانیه" طباق وجود دارد. الفاظ مذکور تناسب و توازی در این آیه ایجاد نموده‌اند، بدین ترتیب که هر بار یکی از این الفاظ مثلاً "ظلمات" و یا "سراً" به گوش می‌رسد بلافاصله ضد آن در ذهن شنونده و یا خواننده تداعی می‌گردد و در انتظار شنیدن کلمه متضاد با آن است. از سویی دیگر این اسلوب سبب تفهیم هرچه بهتر مطلب می‌شود به عنوان مثال در این آیه بکار بردن دو کلمه ظلمات و نور سبب می‌گردد که ما به عمق فاصله موجود بین گمراهی و هدایت پی ببریم و دیگر اینکه بکار بردن دو کلمه متضاد(سرا و علانیه) برای فعل انفاق اهمیت این فعل را آشکار می‌سازد. «مقصود از انفاق سری و علنی این است که انفاق بر مقتضای

ادب دینی انجام گیرد آنجا که ادب مقتضای پنهان بودن را دارد پنهانی انفاق کنند و هر جا که ادب علنی آن را می‌پسندد علنی بدهند» (طباطبایی، ج ۱۲: ۵۸).

التفات از محسنات و زیبایی‌های کلام است، بدان جهت که اگر کلام یکنواخت باشد، باعث ملالت و خستگی شنونده خواهد شد؛ اما اگر از یک شیوه به شیوه دیگر در حال تغییر باشد، در شنونده نشاط ایجاد می‌کند و کلام، حالت جدیدی پیدا کرده و سبب جلب توجه شنونده می‌گردد. این پدیده بلاغی یکی از شگردها و آرایه‌های ادبی است که با برجسته سازی و شکستن هنجارهای معمولی زبان، موجب آشنایی زدایی، تعجب و شگفتی خواننده و در نهایت التذاذ هنری می‌شود (رحمانی و رادمرد، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

خداوند در قرآن به روش‌های مختلفی از خود سخن به میان آورده است:

﴿الرَّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ
الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

در جمله «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» التفاتی به کار رفته، یعنی سیاق کلام از تکلم مع الغیر «انزلنا» به جمع غایب «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» برگشته است، با اینکه جا داشت بفرماید: «انزلناه إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»؛ و نکته‌اش این است که خواسته با همین تغییر سیاق و بدون آوردن کلامی اضافی بفهماند که خدای تعالی پروردگار همین مشرکین نیز هست، که برای او شریک‌هایی گرفته‌اند، چون در حقیقت روی سخن با ایشان است هر چند رسول خدا (ص) را مخاطب قرار داده است و نیز خواسته است در همین ابتدای سوره اسمی از ربوبیت او برده شود تا عنوان و آغاز بحث سوره قرار گیرد چون این سوره درباره توحید ربوبیت بحث می‌کند (طباطبایی و موسوی همدانی، ج ۱۲: ۱۱). هر دگرگونی (دستوری یا غیر دستوری) در قرآن با غرض خاص و به مقتضای حال و مقام صورت گرفته است همانند آیه:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ (ابراهیم/۵)

در این آیه شریفه اسم ظاهر "بِآيَاتِ اللَّهِ" به جای ضمیر "بِآيَاتِنَا" به کار رفته است در حالی که باید ضمیر متکلم مع الغیر "نا" استفاده می‌شد که این به دلیل اوج توجه

شنونده به مشخص بودن مسند الیه است و از سویی دیگر نیز از یکنواخت بودن آیه پرهیز شده است.

حذف مسند الیه در آیه:

﴿الرَّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ
الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

پیش از کتاب نیز می‌تواند دلیلی بر اهمیت مسند و اوصاف متعلق به آن باشد- یعنی اثبات آسمانی بودن قرآن، نسبت دادن انزال آن به خدا، ذکر اهمیت حضور پیامبر، همه‌اش در خدمت بیان یک حقیقت است و آن حقیقت این است که خدا عزیز و حمید است و می‌خواهد مردمش نیز عزیز و حمید باشند و همچنین بکار نگرفتن ادوات تأکید در این جمله خبری و ابتدایی بودن آن کنایه‌ای است بر اینکه مخاطبین آیه در صورت ملاحظه فطرت دست نخورده انسانی خویش، اذعان به مضمون آیه خواهند نمود و در قبول آن تردیدی به خود راه نخواهند داد.

استفاده از صنعت تشابه الأطراف معنوی در آیه:

﴿الرَّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ
الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

که عزیز را به «أَنْزَلْنَاهُ» و حمید را به «لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» پیوند می‌زند، مؤید این مطلب است، یعنی دستیابی به عزت و ستودگی منوط به پای‌بندی به سه عنصر اساسی خدا، کتاب آسمانی و پیامبر است. همچنین اشاره کاربردی به اصول دین یعنی توحید افعالی، نبوت و معاد در این آیه متجلی است- بدین ترتیب که «أَنْزَلْنَاهُ» و «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» بر توحید افعالی، «كِتَابٌ» و «لِتُخْرِجَ» بر نبوت و «صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» بر معاد دلالت می‌کند.

ایجاز: از جمله جلوه‌های تابناک زیبایی قرآن کریم، اسلوب پیام‌رسانی ایجاز است که یکی از ابواب اساسی در فن بلاغت به شمار می‌رود. «ایجاز از فنون بلاغی مهم در رساندن معنا و پیام و از شرایط فصاحت و بلاغت کلام بوده و از ویژگی‌های ذوق سلیم به شمار می‌آید و به تعبیر شکسپیر ایجاز روح قریحه است» (به نقل از: محمود شهبازی، اصغر شهبازی، ۱۳۹۲ش: ۵۸).

این اسلوب بلاغی در قرآن از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد و با ظرافت خاصی به کار گرفته شده است. اما «ایجاز در هر موضعی پسندیده نیست و در هر کتاب و گفته‌ای سزاوار نیست بلکه هر مقامی، مقال ویژه خود را دارد و اگر چنین بود که ایجاز هر جایی باعث زیبایی کلام می‌گشت خدای تعالی همه سخن را منحصرأ به آن طریق می‌ساخت لیکن چنین نفرمود بلکه گاهی برای تأکید به اطناب روی آورد و گاهی برای ایجاز بخشی از سخن را حذف کرد» (نجفی، ۱۳۷۹ش: ۱۵۵).

ایجاز بر دو گونه است: ایجاز حذف و ایجاز قصر. مفسران در آیه:

﴿الرِّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

در مورد اینکه کلمه کتاب خبر برای مبتدأ است اتفاق نظر دارند اما در مورد ذکر یا حذف مبتدا اختلاف نظر دارند. به عنوان مثال، صاحب التفسیر القرآنی للقرآن گفتند که کتاب خبر برای الر می‌باشد (خطیب، ج ۷: ۱۴۷). در حالی که عده‌ای دیگر گفتند که کتاب خبر برای مبتدأ محذوف اما در تقدیر آن نظر واحدی ندارند؛ عده‌ای دیگر گفتند هذا و بقیه هم گفتند هو. صاحب تفسیر «المیزان» مبتدا محذوف را هذا تقدیر کردند (طباطبایی، ج ۱۲: ۷). صاحب تفسیر «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل» تصریح کردند که مبتدا حذف شده هو می‌باشد (زمخشری، ج ۲، ۱۴۰۷ق: ۵۳۷).

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ﴾ (ابراهیم/۳۱)

حذف در اینجا به صورت حذف "ل" امر در دو فعل "يُقِيمُوا"، "يُنْفِقُوا" صورت گرفته است. باید یادآور شد که «حذف‌های قرآنی نه تنها کوچک‌ترین خللی در بیان مفهوم و معنا ایجاد نمی‌کند بلکه با ایجاد قالبی مناسب معنا را به بهترین شکل و با ظرافتی خاص به مخاطب می‌رساند به گونه‌ای که اگر محذوف در کلام ذکر شود دیگر زیبایی‌های معنایی مورد نظر از میان می‌رود» (شهبازی، ۱۳۹۲ش: ۶۷).

بکارگیری فراوان مجاز دلیلی برای برتری این اسلوب بیانی است. در آیه:

﴿الرِّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

مجاز لغوی وجود دارد زیرا "الظلمات، النور" در این آیه به معنای لغوی خود "تاریکی، نور" استفاده نشده است بلکه در معنای استعاری خود به کار رفته است که در قسمت استعاره این نکته بیان گردید. به عبارت دیگر بکارگیری مجاز در این آیه برخاسته از نیاز به بیان محسنات بلاغی است که اگر مجاز در این آیه حذف شود حسن و زیبایی آن نیز از بین می‌رود.

بدل یکی از اسباب تأکید است که در آیه:

﴿الرَّكَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

نمایان می‌شود. «صراط العزیز الحمید» بدل از "النور" است «عبدلکریم، ج ۷: ۱۴۷، قرشی، ۱۳۷۷ق، ج ۵: ۲۶۹». هدف از بدل در اینجا «ایضاح» بعد از «ابهام» و فایده آن بیان و تأکید کلام است.

علاوه بر موارد گفته شده نکات ظریف بلاغی نیز در این آیه مشاهده می‌گردد که ذکر آن‌ها حائز اهمیت است.

۱. لام در جمله «لِتُخْرِجَ النَّاسَ» لام غرض یا لام تعلیل است نه لام عاقبت، بدین ترتیب که علت انزال کتاب، اخراج مردم از ظلمات است. علامه در تفسیر «المیزان» می‌فرماید: "لام" در جمله «لِتُخْرِجَ النَّاسَ» لام غرض است- بنا بر آنچه گفتیم که مقصود از ناس عموم مردم است- و این معنا را افاده می‌کند که منظور از فرستادن قرآن، بیرون کردن مردم از ظلمات به سوی نور است، نه اینکه لام عاقبت چون اگر لام عاقبت می‌بود، لازم بود که تمامی مردم عالم به قرآن ایمان آورده باشند و حال آنکه ایمان نیاورده‌اند (طباطبایی، ج ۱۲: ۷ و ۸). مانند این نظر در تفسیر «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» یافت می‌شود.

۲. علت اینکه ظلمات جمع و نور مفرد آمده است این است که راه‌های گمراهی زیادند در حالی که راه هدایت، راه خدا، یکی می‌باشد. در تفسیر «المیزان» آمده است: جمع آمدن کلمه ظلمات و مفرد آمدن کلمه نور برای اشاره به این جهت است که هدایت از مصادیق حق است و حق یکی است و هیچ فرق و تغایری میان مصادیق آن نیست، به خلاف ضلالت که مصادیق مختلفی دارد، چون ضلالت ناشی از پیروی هواهای

نفسانی است که با هم اختلاف دارند، و افراد و مصادیق هوی یک جور نیستند و لذا در آیه:

﴿وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾

راه خدا و حق را یک راه (سبیل) و راه ضلالت را چند راه (سبیل) خوانده است (طباطبایی، ج ۱۲: ۷).

خطاب حضرت ابراهیم به خدا

در این نوع خطاب حضرت / ابراهیم دعای خویش را با آوردن کلمه "رب" آغاز می‌نماید که این شیوه‌ای برای جلب توجه خداوند به خود است و از سوی دیگر آموزشی برای نحوه دعا کردن است و اینکه در هنگام دعا باید دیگران را بر خود مقدم دانست. گواهی این امر آیه‌های زیر است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ (ابراهیم/۳۵)

این آیه خطاب حضرت / ابراهیم (ع) به خداوند است که نشانه‌های آن عبارتند از:

- نام بردن از خدا به صورت منادا "رَبِّ".
- حذف حرف ندا به جهت اظهار احساس نزدیکی به او.
- حذف حرف "ی" از آخر منادا به غرض ندیدن خود.
- ذکر فعل طلبی "اجْعَلْ" اهتمام به امنیت سرزمین و فعل "واجنبْنی" به هدف اجتناب خود و خانواده از پرستش بت‌ها.

﴿رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعْنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

(ابراهیم/۳۶)

این آیه نیز خطاب حضرت / ابراهیم به خدا است. نشانه‌های خطاب در این آیه بدین ترتیب است:

- ذکر نام خدا به صورت منادا "رَبِّ".
- حذف حرف ندا از ابتدا.
- حذف حرف "ی" از انتهای کلمه "رَبِّ" به دلایل مذکور.

- گزارش پیغمبر به پروردگار در قالب جمله اسمیه «إِنَّهِنَّ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ» بعد از منادا که به عنوان مقدمه‌ای است برای بیان درخواست خویش از خداوند متعال.
- ضمیر خطاب: "ک" در "إِنَّكَ".

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ (ابراهیم/ ۳۷)

نشانه‌های خطاب در این آیه عبارت‌اند از:

- ذکر نام خدا به صورت منادا "رَبَّنَا".
- گزارش به پروردگار در قالب جمله اسمیه "إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ" بعد از منادا که به عنوان مقدمه‌ای است برای بیان درخواست خویش از خداوند متعال.

- فعل‌های طلبی "اجْعَلْ"، "ارْزُقْهُمْ".

- ضمیر خطاب "ک" در "بَيْتِكَ".

- ضمیر مستتر "انت" در "اجْعَلْ" و "ارْزُقْهُمْ".

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ (ابراهیم/ ۳۸)

در این آیه می‌توان نشانه‌های خطاب حضرت/ابراهیم به خدا را چنین برشمرد:

- ذکر نام خدا به صورت منادا "رَبَّنَا".

- گزارش به پروردگار در قالب جمله اسمیه «إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ» که پس از منادا آورده شده و به عنوان مقدمه‌ای برای بیان درخواست خویش از خداوند متعال است.

- کاف ضمیر در "إِنَّكَ".

- ضمیر مستتر "انت" در "تَعْلَمُ".

در "عَلَى اللَّهِ" اظهار به جای اضمار و نیز صنعت التفات اتفاق افتاده است زیرا از ابتدای آیه حضرت/ابراهیم به طور مستقیم خدا را خطاب قرار داده ولی در اینجا به جای

گفتن "عَلَيْكَ"، از واژه "عَلَى اللَّهِ" استفاده شده است؛ که می‌توان گفت این امر برای اشاره به علم جامع خدا صورت گرفته است.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَىٰ انْكَبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ (ابراهیم/

۳۹)

نشانه‌های خطاب در این آیه:

- ضمیر مستتر هو در "وَهَبَ" به الَّذِي برمی‌گردد اما از آنجا که الَّذِي صفت "اللَّهِ" و "اللَّهِ" به جای ضمیر "ك" آمده است (الحمد لك - الحمد لله) پس منظور از ضمیر مستتر "هو" در "وَهَبَ" همان "ك" می‌باشد.

- گزارش به پروردگار در قالب جمله اسمیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ» که پس از منادا آورده شده و به عنوان مقدمه‌ای برای بیان درخواست خویش از خداوند متعال است. در این آیه نیز در لفظ "الْحَمْدُ لِلَّهِ" اظهار به جای اضمار و التفات صورت گرفته است زیرا آیات قبل و بعد این آیه حضرت / ابراهیم به طور مستقیم خدا را خطاب قرار می‌دهد ولی در اینجا به جای گفتن "الْحَمْدُ لَكَ"، "الْحَمْدُ لِلَّهِ" و به جای "انك" "إِنَّ رَبِّي" آورده شده است.

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ (ابراهیم/ ۴۰)

نشانه‌های خطاب:

- ذکر نام خدا به صورت منادا "رَبِّ".

- فعل‌های طلبی "اجْعَلْنِي"، "تَقَبَّلْ".

- ضمیر مستتر "انت" در "اجْعَلْنِي" و "تَقَبَّلْ".

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ (ابراهیم/ ۴۱)

نشانه‌های خطاب:

- ذکر نام خدا به صورت منادا "رَبَّنَا"، فعل طلبی "اغْفِرْ".

- ضمیر مستتر "انت" در آن.

توجه به این نکته لازم است که هرگاه بعد از ذکر نام خدا به صورت منادا جمله خبری آورده شود ممکن است سؤالی به ذهن برسد و آن این است که آیا خدای دانا نیازی به این گونه خبرها دارد؟

در پاسخ می‌توان چنین گفت: این نوع خبرها برای مطلع ساختن دیگران از فراز و نشیب‌های زندگی پیامبران و موضع‌گیری آن‌ها در این موارد می‌باشد و آموزشی است برای نوع برقراری ارتباط با خدای تعالی برای درخواست نیازها و نشان دادن ایمان قلبی و اخلاص خود به دیگران.

اسلوب‌های بلاغی

علاوه بر نشانه‌های کلی که ذکر شد، در این قالب خطابی اسلوب‌های دیگری هم به کار رفته است. مجاز در قرآن جایگاه و مرتبه والایی دارد. عدول از حقیقت چه مجاز عقلی و چه لغوی تنها برای بیان اسرار گوناگون و محقق ساختن اهداف بلاغی است زیرا مجاز نقش مهمی در کلام عربی ایفا می‌کند(رضایی، حسینی، ۱۳۹۰ش: ۱۵۵). همانند آیه:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ (ابراهیم/۴۱)

که "يَقُومُ الْحِسَابُ" مجاز عقلی به علاقه اسناد فعل به مصدر است.

در آیات:

﴿رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

(ابراهیم/۳۶)

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ تَعَلَّمَ مَانُحِي وَمَانَعِلُنْ وَمَا بَحَثِي عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾

(ابراهیم/۳۸)

میان "تبعنی، عصانی" و "الأرض، السماء" طباق به کار رفته است که فایده آن پیش‌تر ذکر شد.

همانطور که اشاره شد یکی از ویژگی‌های استعاره ایضاح و روشن ساختن لفظ مستعار است. استعاره مکنیه در آیه:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ (ابراهیم/۴۱)

بر پا شدن حساب است که به قیام قائم تشبیه شده است و می‌توان آن را رسیدگی به حساب خلاق معنا کرد. که این خود از اهداف برپایی قیامت(روز داوری) است. «از جمله لطائف که در دعای آن حضرت به چشم می‌خورد، اختلاف تعبیر در نداء است که

یک جا "رب" آمده و جای دیگر "ربنا". در اولی به خاطر آن موهبت‌هایی که خداوند فقط به او ارزانی داشته است - از قبیل سبقت در اسلام و امامت - او را به خود نسبت داده. و در دومی پروردگار را به خودش و دیگران نسبت داده، به خاطر آن نعمت‌هایی که خداوند هم به او و هم به غیر او ارزانی داشته است» (طباطبایی، ج ۱۲: ۱۱۵).

خطاب پیغمبران به مردم

در تمامی این آیات، پیامبران الهی:

- همواره در صدد بشارت و انداز مردم هستند و روند این هدایت همواره از بشارت به سوی انداز است که این خود بیانگر سبقت رحمت الهی بر غضب اوست و همچنین هیچ گاه بی اساس سخن نمی‌گویند. گواهی این امر آیه‌های زیر است:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبُّوْنَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾
(ابراهیم/۶)

از نشانه‌های خطاب پیغمبر به مردم در این آیه:

- ذکر نام پیامبر "موسی" پس از فعل "قال".
- بیان درخواست خویش از مردم در قالب واژه‌های امری یا اسلوب انشایی دیگر «اذكروا نعمة الله عليكم».
- ضمیر خطاب "واو" در "اذكروا"، "کم" در "عليکم"، "ربکم"، "یسومونکم"، "نساءکم" و "ابناءکم".
- حرف خطاب در "ذليکم".
- ذکر لفظ قوم "لقومه".
- بیان نمودن نتیجه عمل نکردن به توصیه پیامبر به شکل قطعی «وفی ذليکم بلاء من ربکم عظیم».

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم/۷)

این آیه از آیاتی است که در آن حضرت موسی مردم را مورد خطاب قرار داده است. نشانه‌های خطاب:

- ضمیر ضمیر مخاطب "ثم" در "كفرتُم" و "شكرتُم".
- ذکر نتیجه عمل مخاطب "كُم" در "رُكُم" و "أزیدتكم"، کردن و نکردن مردم به توصیه‌های پیغمبران «لئن شكرتُم لأزیدتكم ولئن كفرتُم إنَّ عذابی لشدید».

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ (ابراهیم/۸)

- ذکر نام پیغمبر "موسى" پس از استفاده از فعل "قال".

- ضمیر مخاطب "واو" در "تَكْفُرُوا" و در این آیه قوم ذکر نشده ولی با ضمیر تأکیدی "أنتم" پیغمبر، قومش را مورد خطاب قرار می‌دهد.

﴿الْمُرْيَاتِكُمْ بِأَلْدِينِ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ

جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي

شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيدٌ﴾ (ابراهیم/۹)

پیغمبران همیشه با ذکر دلیل و برهان با مردم حرف می‌زنند. یکی از شواهد در این آیه است که حضرت موسی به داستان قوم نوح و عاد و ... به همین منظور اشاره می‌کند.

﴿قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِیَّ اللَّهُ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ

وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى﴾ (ابراهیم/۱۰)

نشانه‌های خطاب:

ضمیر مخاطب "كُم" در "لكم"، "ذُنُوبِكُمْ"، "يُؤَخِّرُكُمْ"، "يَدْعُوكُمْ".

﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا

أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (ابراهیم/۱۱)

از نشانه‌های خطاب در این آیه:

- با دلیل و برهان با مردم حرف زدن «إِن نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ».

- ضمیر مخاطب "كُم" در "مِثْلُكُمْ"، "نَأْتِيَكُمْ".

اسلوب‌های بلاغی

کنایه یکی از اسلوب‌های بلاغی است که به ما کمک می‌کند با کم‌ترین کلمات، عمیق‌ترین معناها را برسانیم و تأثیر بیش‌تری در مخاطب بگذاریم. «با کنایه می‌توان

معنا را به شیوه‌های متفاوت و مخیل بر خواننده عرضه کرد و از این رهگذر به سخن خود تنوع، تأثیر، عمق و بعد ببخشیم با بهره‌گیری از کنایه معنای عادی و پیش پا افتاده از نظر ما دور می‌شود و ظاهر کنایه هم شادابی خاصی می‌یابد» (عزیزی، ۱۳۹۰: ۷۲). در این سوره مبارکه عبارت: «فَرَدُّوْاْ اُیْدِیْهِمْ فِیْ اَفْوَهِیْمِ» کنایه از این است که: «ایشان را مجبور به سکوت و نگفتن حق می‌کردند، گویا دست انبیاء را می‌گرفتند و بر دهان‌هایشان می‌گذاشتند و به این وسیله اعلام می‌کردند که باید از سخن حق، صرف نظر کنند» (طباطبایی، ج ۱۲: ۳۲) و (حسینی همدانی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۲۶۴).

علاوه بر نشانه‌هایی که در این خطاب بیان شد در آیه:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَیْنَ شَکْرْتُمْ لَآ زَیْدُنْکُمْ وَلَیْنَ کَفَرْتُمْ لَآ عَذَابٌ لَّشَدِیْدٌ﴾ (ابراهیم/۷)

میان "شَکْرْتُمْ، کَفَرْتُمْ" طباق نیز به کار رفته است.

خطاب مردم به پیغمبران

از آیاتی که مردم پیامبران را مورد خطاب قرار دادند اینگونه برداشت می‌شود که آن‌ها هیچ گاه خواستار پذیرفتن حقیقت از سوی پیامبران نبوده‌اند با وجود اینکه تمامی نشانه‌ها و حجت‌های پیامبران بدون ابهام برای عموم واضح و روشن بود و گاهی مردم حتی مانع از حرف زدن پیامبران درباره حق و حقیقت می‌شدند. گواهی این امر آیه‌های زیر است:

﴿وَقَالُوا إِنَّا کَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِیْ شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَیْهِ مُرِیْبٍ﴾ (ابراهیم/۹)

نشانه‌های خطاب در این آیه:

- ضمیر مخاطب "ثم" در "أُرْسِلْتُمْ".

﴿قَالُوا لَیْنَ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلَانَا تَرِیْدُونَ أَنْ تَصُدُّوْنَا عَمَّا كَانُ یَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَاتُّوْنَا بِسُلْطَانٍ مُّبِیْنٍ﴾

(ابراهیم/۱۰)

نشانه‌های خطاب در این آیه عبارت‌اند از:

- ضمیر مخاطب "أَنْتُمْ".

- درخواست دلیل و حجت از پیغمبر خویش با فعل امر حاضر "فَاتُّوْنَا بِسُلْطَانٍ مُّبِیْنٍ".

﴿وَقَالَ الَّذِیْنَ کَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّکُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوْدُنَّ فِیْ مِلَّتِنَا﴾ (ابراهیم/۱۳)

از نشانه‌های خطاب:

- ضمیر خطاب "کُم" در " لَنْخُرِجَنَّكُمْ".
"واو" مقدر در "تَعُوذَنَّ" که به دلیل وضع التقای ساکنین و سهولت تلفظ حذف شده است.

- قرار دادن پیامبر و پیروانش در دو راهی انتخاب بین اخراج از سرزمین یا برگشتن به آئین قوم.

خطاب ظالمان به خدا

در این گونه آیات مشاهده می‌شود که ظالمان تنها در مواقعی که دچار عذاب می‌شدند و در تنگنا قرار می‌گرفتند در پی فرصت خواستن از خدا برای بازگشت به راه راست بودند اما در زمان نجات از سختی و عذاب دوباره راه کفر را پیش می‌گرفتند مثل:
﴿فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ﴾ (ابراهیم/ ۴۴)
کافران در هنگام خطاب به خدا از منادا "رَبَّنَا" و فعل طلبی "أَخْرِنا" «رَبَّنَا أَخْرِنا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ» استفاده کرده‌اند.

خطاب خدا به ظالمان

در این قالب از ضمیر خطاب استفاده می‌شود که معمولاً با توییخ، یادآوری گذشته سیاه و تهدید به عذاب و ... همراه است. گواهی این امر آیه زیر است:
﴿أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ﴾ (ابراهیم/ ۴۴)
از نشانه‌های این نوع خطاب می‌توان به ضمیر خطاب "کُم" در "لَكُم" ، "واو" در "تَكُونُوا"؛ همچنین تذکر به گذشته تکبرآمیز آن‌ها «أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ» اشاره کرد.

خطاب مردم به مردم

در این گونه خطاب، مردم از گذشته شوم خود پشیمان هستند و از اینکه خدا را پیروی نکردند تأسف می‌خورند.

گواهی این امر آیه ۲۱ این سوره است:

﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ
عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَجْرُنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنَ مَحِصٍ﴾
ضمیر مخاطب "کُمْ" در "لَكُمْ"، "هَدَيْنَاكُمْ" و ضمیر مخاطب "أَنْتُمْ" را می‌توان از
نشانه‌های این نوع خطاب دانست. چنانکه ملاحظه می‌گردد گوینده و شنونده در این آیه
به وسیله ذکر اسم ظاهر پس از فعل "قال" نخستین و ذکر ضمیر بارز در فعل "قال" دوم از
هم تشخیص داده می‌شود. نیز در دو فعل "أَجْرُنَا و صَبْرُنَا" طباق نیز به کار رفته است.

خطاب شیطان به مردم

این نوع خطاب بیان‌گر این است که شیطان هیچ گاه آزادی و اختیار را از مردم
نگرفته است و او یک دعوت کننده‌ای بیش نیست و این خود مردم هستند که او را
پیروی می‌کنند، و دیگر اینکه شیطان هم هیچ گاه خود را مسئول گمراهی گناهکاران
نمی‌داند. گواهی این امر آیه زیر است:

﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتَكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي
عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا
بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنْ كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ﴾ (ابراهیم/۲۲)

ضمیر مخاطب "کُمْ" در "وَعَدَكُمْ"، "فَأَخْلَفْتُمْ"، "وَعَدْتَكُمْ"، "عَلَيْكُمْ"، "أَنْفُسَكُمْ"،
ضمیر مخاطب "تُمْ" در "فَاسْتَجَبْتُمْ"، ضمیر "أَنْتُمْ"، ضمیر "واو" در "تَلُومُونِي"،
"لُومُوا"، "أَشْرَكْتُمُونِ"؛ همچنین استفاده از فعل‌های متضاد "فَاسْتَجَبْتُمْ، فَأَخْلَفْتُمْ"،
"فَلَا تَلُومُونِي، لُومُوا" از نشانه‌های این نوع خطاب می‌باشد.

خطاب خدا به مخاطب عام

خداوند متعال در این نوع خطاب به این نکته اشاره دارد که تمامی آفرینش از آن
خداست و اینکه امور خدا هدف مشخصی دارد. گواهی این امر آیه‌های زیر هستند که با
تأمل در این آیات:

﴿الْمُتَرَانُّ اللَّهُ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾

(ابراهیم/۱۹)

از نشانه‌های این نوع خطاب می‌توان به:

- استفهامی بودن جمله "أَلَمْ تَرَ".

- ضمیر مخاطب "أنت" در "تَرَ" که به صورت مستتر بیان شده و "كَمْ" در "يَذْهِبْكُمْ"

اشاره کرد.

﴿الْمُتَرَكِّفُ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾

(ابراهیم/۲۴)

از نشانه‌های خطاب در این آیه:

- استفهامی بودن جمله "أَلَمْ تَرَ".

- ضمیر خطاب مستتر در "تَرَ".

- استفاده از مثل «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي

السَّمَاءِ».

اسلوب‌های بلاغی

تشبیه نیز نشانه دیگری است که در این قالب خطابی به چشم می‌خورد.

تشبیهاتی که در قرآن به کار رفته هدف‌ها و غرض‌هایی دارد که در راستای آن‌ها بیان شده است. هدف از تشبیهات، تأثیرگذاری بر عاطفه و وجدان مخاطبان و جذب آن‌ها به سوی قرآن است. قرآن کریم گاهی با اسلوب تشبیه، تشویق و تهدید می‌کند، بشارت و انذار می‌دهد و مفاهیم را زشت و زیبا می‌سازد (رضایی، حسینی، ۱۳۹۰ش: ۱۴۹). در آیه مذکور برای ایمان تشبیهی صورت گرفته و آن را به درختی پاک تشبیه کرده است که اگر این تشبیه بیان نمی‌شد هدف این آیه محقق نمی‌گشت و معانی ایمان و یا توحید آشکار نمی‌شد.

﴿الْمُتَرَلِّ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ﴾ (ابراهیم/۲۸)

نشانه‌های خطاب در این آیه عبارت‌اند از:

- ساختار انشایی جمله "أَلَمْ تَرَ".

- ضمیر مستتر در "تَرَّ" و ذکر عاقبت اقوام کفر پیشه گذشته برای عبرت آموزی.
- ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾
(ابراهیم/۴۲)
- با دقت در این آیه می‌توان نشانه‌های این نوع خطاب را اینگونه بیان کرد:
- ساختار انشایی جمله «وَلَا تَحْسَبَنَّ» که به صورت نهی آورده شده.
- ضمیر مخاطب مستتر "أنت" در "تَحْسَبَنَّ".
- رفع ابهام با بیان جمله تعلیلیه «إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ» بعد از طلب «لَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ».
- ﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخَلَّفَ وَعْدِهِ رَسُولَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾ (ابراهیم/۴۷)

نشانه‌های خطاب:

- انشایی بودن جمله "فَلَا تَحْسَبَنَّ" که به صورت نهی به کار رفته است.
- ضمیر خطاب مستتر "أنت" در "تَحْسَبَنَّ".
- رفع ابهام با بیان جمله تعلیلیه «إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» بعد از طلب «فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخَلَّفَ وَعْدِهِ رَسُولَهُ».
- ﴿وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ﴾ (ابراهیم/۴۹)
- در این آیه ضمیر خطاب به صورت مستتر در "تَرَى" بیانگر خطاب به مخاطب عام است.

نتیجه بحث

- خدای متعال در کتاب آسمانی خود از قالب‌های خطابی متفاوتی بهره گرفته است، گاهی به طور مستقیم و گاه با دیگر قالب‌های خطابی، انواع خطاب‌ها را به نمایش می‌گذارد و در هر یک از آنها از انواع تصویرهای بیانی و اسلوب‌های بلاغی به مناسبت حال و مقام استفاده می‌کند. پس از بررسی انواع قالب‌های خطابی در سوره ابراهیم، نشانه‌های مشترکی در مثال‌های هر یک یافت شد که به قرار زیر است:
- نشانه‌های خطاب خدا به پیغمبران عبارت‌اند از کاف ضمیر، فعل مفرد مذکر، ضمیر مستتر، محول کردن مأموریت رفتاری و گفتاری، فعل امر.

- نشانه‌های خطاب پیغمبران به خدا عبارت‌اند از فعل‌های طلبی، نام بردن از خدا به صورت منادا، ضمیر مخاطب مفرد، ضمیر مستتر.
 - نشانه‌های خطاب پیغمبران به مردم عبارت‌اند از ضمیر مخاطب جمع، پیغمبران همیشه با ذکر دلیل و برهان با مردم حرف می‌زنند و ذکر نتیجه عمل کردن و عمل نکردن به توصیه‌های پیغمبران.
 - نشانه‌های خطاب مردم به پیغمبران عبارت‌اند از ضمیر مخاطب جمع، درخواست دلیل و حجت از پیغمبر خویش.
 - نشانه‌های خطاب ظالمان به خدا عبارت‌اند از منادا، فعل طلبی، خواهان فرصت برای جبران گناهانشان.
 - نشانه‌های خطاب خدا به ظالمان عبارت‌اند از ضمیر مخاطب جمع، تذکر به گذشته تکبرآمیز آن‌ها.
 - نشانه‌های خطاب مردم به مردم: ضمیر مخاطب جمع.
 - نشانه‌های خطاب شیطان به مردم عبارت‌اند از ضمیر مخاطب جمع، استفاده از فعل‌های متضاد.
 - نشانه‌های خطاب خدا به مخاطب عام عبارت‌اند از ساختار انشایی، استفاده از تمثیل.
- از سوی دیگر در این مقاله می‌توان برخی از ویژگی‌های خطاب‌ها را در این سوره مبارکه به نمایش گذاشت:
- خداوند متعال در خطاب به پیغمبران تأکید می‌کند که پیغمبران اسباب هدایت انسان‌ها هستند و وظیفه هدایت بر دوش آن‌هاست. در خطاب حضرت ابراهیم نحوه دعا کردن را آموزش می‌دهد. در خطاب پیغمبران به مردم درمی‌یابیم که پیغمبران همواره در صدد بشارت و انذار مردم هستند و همچنین بی‌اساس سخن نمی‌گویند. در حالی که مردم هیچ‌گاه خواستار پذیرفتن حقیقت از سوی پیامبران نبوده‌اند با وجود اینکه تمامی نشانه‌ها و حجت‌های پیامبران بدون ابهام برای عموم واضح و روشن بود. ظالمان تنها در مواقعی که دچار عذاب می‌شدند و در تنگنا قرار می‌گرفتند در پی فرصت خواستن از خدا برای بازگشت به راه راست بودند. اما خطاب خدا به ظالمان همواره با توبیخ،

یادآوری گذشته سیاه و تهدید به عذاب ظالمان و ... همراه است. در خطاب مردم به مردم مشاهده می‌کنیم در این گونه خطاب، مردم از گذشته شوم خود پشیمان هستند و از اینکه خدا را پیروی نکردند تأسف می‌خورند. در خطاب شیطان به مردم مشخص می‌گردد که شیطان هیچ گاه آزادی و اختیار را از مردم نگرفته است و او دعوت‌کننده‌ای بیش نیست و این خود مردم هستند که او را پیروی می‌کنند. خداوند متعال در خطاب خدا به مخاطب عام به این نکته اشاره دارد که تمامی آفرینش از آن خداست. از دیگر نتایجی که در این جستار به آن دست یافتیم این است که پروردگار به هنگام خطاب قرار دادن پیغمبران خویش از اسلوب‌های بلاغی متعددی استفاده کرده و سخن خود را بدان‌ها آراسته است اما در دیگر انواع خطاب‌ها به ندرت اسلوب‌های بلاغی دیده می‌شود و همچنین اینکه تمامی نشانه‌های خطاب و اسلوب‌های بلاغی برای اهداف خاص خود به کار رفته‌اند.



کتابنامه

القرآن الکریم

کتب عربی

الخطیب، عبدالکریم. بی تا، التفسیر القرآنی للقرآن، الطبعة الأولى، بیروت: دار الفکر العربی.
الزمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، الطبعة الثالثة، بیروت: دار
الکتب العربی.

الطباطبائی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، الطبعة الخامسة، قم: مؤسسة
النشر الإسلامی.

الطبرسی، الفضل بن الحسن. ۱۴۱۳ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد البلاغی،
الطبعة الثالثة، طهران: منشورات ناصر خسرو.

القیروانی، ابی الحسن بن رشیق. ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م، العمدة فی محاسن الشعر وآدابه ونقده، الطبعة
الخامسة، بیروت: دار الجیل.

الهاشمی، السید احمد. ۱۹۹۹م، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبديع، الطبعة الأولى، بیروت:
المکتبة العصرية.

کتب فارسی

حسینی همدانی، سید محمد. ۱۴۱۴ق، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
قرشی، سیدعلی اکبر. ۱۳۷۷ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
موسوی همدانی، سید محمدباقر. ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم.

مقالات

رحمانی، هما و رادمرد، عبدالله. بهار ۱۳۹۱ش، «بازنگری معنایی در "التفات" بلاغی و اقسام و
کارکرد آن»، مجله جستارهای ادبی، صص ۱۴۳-۱۶۸.

رضایی، غلامعباس و حسینی، سید پیمان. زمستان ۱۳۹۰ش، «تصویرپردازی هنری در قرآن با
تکیه بر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه»، مجله پژوهشنامه نقد ادب عربی، صص ۱۴۳-۱۶۵.

شهبازی، محمود و شهبازی، اصغر. بهار و تابستان ۱۳۹۲ش، «کارکرد زیباشناختی ایجاز حذف در
قرآن کریم»، مجله کاوشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم، صص ۵۵-۶۸.

عزیزی، محمدرضا. بهار ۱۳۹۱ش، «زیباشناسی کنایه در زبان عربی و فارسی»، مجله ادب عربی،
صص ۶۵-۹۲.

نجفی، سید رضا. زمستان ۱۳۷۹ ش، «بلاغت حذف و ایجاز و رابطه ی آن با مجاز». مجله مقالات و بررسی ها، شماره ۶۸، دانشگاه اصفهان، صص ۱۵۳ - ۱۷۰.

Bibliography

Arabic References

The holy Quran

Alkhatib, Abdolkarim, *Altafsir Al-Qurani lel-Quran*, 1st publication, Beirut, Alfekr-elarabi printing house

Alzamakshari, Mahmoud, (1407 A.H.), *Alkashshaf an Haghayegh Ghavames Altanzil*, 3rd publication, Beirut, Alketab-Alarabi printing house

Altabatabayie, Seyyed Mohammad Hosein, (1417 A.H.), *Almizan fi Tafsir-el Quran*, 5th publication, Qum: Al-Nashrel- Eslami institute.

Altaabarsi, Alfazl ibn Hasan, (1413 A.H.), *Majma Albayan fi Tafsir-el Quran*, Author: Mohammad Javad Albalaghi, 3rd publication, Tehran: Naser Khosro printing house.

Alghirvani, Abel-Hasan ibn Rashigh, (1981 A.D. – 1401 A.H.), *Alomdat fi Mahasen-el Sher va Adabehi va Naghdehi*, 5th publication, Beirut, Jeil printing house.

Al-Hashemi, Al-Seyyed Ahmad, (1999 A.D.), *Javaher-ol Balaghat fil Maani va al-Bayan va al-Baddi*, 1st publication, Beirut, Al- Asriat printing house

Persian References

Hoseini Hamedani, Seyyed Mohammad, (1414 A.H.), *Anvar Derakhshan*, Tehran, Lotfi bookstore.

Ghereshi, Seyyed Ali Akbar, (1377 H. S.), *Tafsir Ahsan al-Hadis*, Tehran: Besat institute.

Tabatabayie, Seyyed Mohammad Hosein, Seyyed Mohammad Bagher Mosavi Hamedani, (14 century), *Tafsir al-Mizan translation*, Qum: Jameye Modarresin Hoze Elmiye Qum Islamic publication office.

Articles:

Rahmani, Homa & Radmard, Abdollah, (1391 H.S.), «Semantic overview of rhetorical Altfat & its types & functions», *Journal of Jostarhay Adabi*, (p. 143-168)

Rezayi, Gholam Abbas & Hoseini, Seyyed Peyman, (1390 H.S.), «Artistic imagery in Quran by focusing on simile, metonymy, metaphor and sarcasm », *journal of Pazouheshname Naghd Adab Arabi*, (p. 143-165).

Shahbazi, Mahmoud & Shahbazi, Asghar, (1392 H.S.), «Aesthetic function elimination laconism in holy Quran», *journal of Kavoshi dar Pazouheshhaye Zaban Shenakhti Quran*, (p. 55-68).

Azizi, Mohammadreza, (1391 H.S.), «Aesthetics of sarcasm in Arabic & Persian», *journal of Adab Arabi*, (p. 65-92).

Najafi, Seyyed Reza, (1379 H.S.), «rhetoric of elimination & laconism & its relation with metonymy», *journal of Maghalat & Barresiha*, No. 68, Isfahan university, (p. 153-170).

Addressing Formats in Ibrahim Surah

Mahmoud Khorsandi: Associate Professor, Arabic Language & Literature, Islamic Azad University, Faculty of Human Sciences, Semnan Branch

Zeinab Hassani: Post Graduate, Arabic Language & Literature, Semnan Branch

Abstract

There are various addressing in Quran Verses each owns specific forms and signs. On the other hand, in each addressing, specific rhetoric style is applied in order to arouse emotions and feelings. The present paper attempts to study all addressing types and signs in Ibrahim Surah as well as their rhetorical styles of each addressing. The following results are extracted: Almighty God sometimes addresses people or tribes directly and sometimes unwraps others' requests or talking and enjoys speech images and rhetorical styles. It also can be resulted that by comparing God's addressing of Messengers and other addressing, the abovementioned type of addressing owns more rhetorical style.

Keywords: Quran, rhetoric, style, prophet, people.

